



سال دیگر باید دو و نیم برابر شود. معتقدم از آنجا که رشد هشت درصدی جی دی پی، رویایی است، بالتبع، رشد مصرف فولاد هم رویایی است. تنها اگر این هشت درصد محقق شود مصرف فولاد هم ممکن است به این میزان برسد.

**اگر بحث تولید فولاد بر اساس برنامه محقق شود اما میزان مصرف مورد نظر تحقق نیابد، در زمینه صادرات چه شرایطی خواهیم داشت؟**  
در طرح جامع فولاد که تولید ۵۵ میلیون تن فولاد را هدف گذاری کرده، تقریباً ۱۳ تا ۱۴ میلیون تن فولاد را برای صادرات پیش بینی کرده اند که اگر تولید محقق شود و مصرف تحقق نیابد ۲۰ میلیون تن برای صادرات مازاد داریم اما در بازاری که کشورهایی مانند چین نقش دارند و بازیگر اصلی هستند، رقابت کردن سخت است. اکنون کشور عمان هم با برزیل شریک شده است. از طرف دیگر شرکت های فولادی دیگری نیز در قطر و عربستان فولاد تولید میکنند.

**شرایط را از نظر رقابت پذیری بررسی کنیم!**

ما نگاهمان به چین نباید باشد. ما اگر بخواهیم رقابت کنیم باید به کیفیت و قیمت تولیدات خودمان نگاه کنیم. ما حتی در زمینه حمل و نقل هم شرایط رقابت را نداریم و باید به آن توجه جدی کنیم. هم در زمینه حمل و نقل زمینی و هم دریایی کشورهای تولید کننده فولاد، ظرفیت های جدیدی را برنامه ریزی و اجرا کرده اند تا به قیمت های رقابتی دست پیدا کنند.

**این در حالی است که ما از انرژی ارزان هم بهره مند هستیم؟**

درست است. گاز ارزان مزیت صنعت فولاد ایران به شمار می رود هر چند این مزیت را کشورهای دیگری مثل قطر و عربستان نیز دارند، در صنعت فولاد، داشتن منابع ارزان انرژی، صرفه جویی و بهینه سازی مصرف آن اهمیت زیادی دارد و مدیریت نیز که متاسفانه مغفول مانده است. بهره وری ما در تولید سنگ آهن و یا تولید فولاد در مقایسه با کشورهای اروپایی خیلی پایین است. به عنوان مثال، فولاد مبارکه اصفهان با ۲۰ هزار نفر نیروی انسانی، پنج میلیون تن فولاد تولید می کند اما یک شرکت هندی با نصف همین تعداد نیروی انسانی ۱۰ میلیون تن تولید می کند و بهره وری بالاتری دارد.

**به مساله نیروی انسانی اشاره کردید؟ چه شرایطی در صنعت فولاد ایران و کرمان حاکم است؟**

با مازاد نیروی کم مهارت و کمبود نیروی ماهر روبرو هستیم، به نوعی هم با تورم نیرو و هم با کمبود نیرو مواجهیم، به لحاظ مدیریت کلان و مدیریت نیروی انسانی اگر بخواهیم مقایسه کنیم با کشورهای توسعه یافته اروپایی و حتی کشورهای آسیایی مانند کره و چین، احساس ضعف می کنیم. عدم اختیار کافی در مورد نیروی انسانی از مسائل واحدهای صنعتی ما هست چون مسائل پیچیده تری از کشورهای دیگر داریم. زیر ساخت های تامین اجتماعی ما قوی نیست و شرکت ها گاهی ناگزیرند زبان کنند اما نیرویی را اخراج نکنند. اگر بخواهند هم دستگاه های سیاسی اجتماعی اجازه نمی دهند چون ممکن است به یک اعتراض تبدیل شود، به همین دلیل، دست شرکت ها بسته است از اینکه نیروهای ناکارآمد را کم و نیروی کارآمد را جایگزین کنند و به همین خاطر بهره وری شرکت های ما پایین است.

در این شرایط، شرکت های کوچک و وضعیتشان بهتر است اما شرکت های بزرگ اینگونه نیست و عملاً این شرکت ها تحت نفوذ دولت هستند و نمی توانند به راحتی به اصلاح و تعدیل وضعیت نیروی انسانی خود اقدام کنند. از طرف دیگر نیروی متخصص و مجرب به اندازه نیازمان در صنایع مان نداریم و متناسب نیست در نتیجه، هم به لحاظ تعداد، بهره وری نیروی انسانی پایین است و هم به لحاظ کیفیت. در نتیجه فولادی که ما تولید می کنیم به خاطر مجموعه ای از شرایط خاص که با آن روبرو هستیم گران تر از فولادی تولیدی رقیب ما است.

**از نظر تفکیک خصوصی و دولتی، طرح های فولادی چه شرایطی دارند؟**

اکنون شرکت دولتی در بحث فولاد نداریم و بیشتر آنها واگذار شده اند، اما سایه دولت همچنان روی سر شرکت های بزرگ سنگینی می کند.

**برگردیم به استان کرمان، بحث عدم توازن در استان در مورد زنجیره ارزش فولاد را مطرح کردید.**

استان ما ۴۵ درصد معادن سنگ آهن کشور را دارد که این نقطه قوت و مزیت استان است که عمده آن در منطقه سیرجان و زرنده قرار دارد. شرکت گل گهر که کارهای اکتشافی اش قبل از انقلاب شروع شده بود این قدر ذخیره را در آن موقع برآورد نکرده بود. بعداً به یک و نیم میلیارد تن سنگ آهن ذخیره رسیدند. سپس آمدند و طرح تجهیز کارخانه کنسانتره را در گل گهر کلید زدند در سال ۷۲. این کارخانه با هدف شش میلیون تن کنسانتره به بهره برداری رسید. قرار هم بود این کنسانتره خوراک کارخانه های فولاد سازی که فولاد سازی مبارکه اصفهان بود را تامین کند، اما مسئولان وقت گل گهر سیرجان به توسعه هم اندیشیدند و کارخانه هایی هم احداث کردند که سال ۸۹ به بهره برداری رسید و یک حلقه دیگر هم اضافه کردند.

هشت میلیون تن کنسانتره و ۵ میلیون تن گندله دوراندیشی مسئولان گل گهر بود. راه اندازی حلقه سوم اما مخالفت های زیادی برای تکمیل این زنجیره تولید داشت. حتی احداث کارخانه های مستقیم و احیا فولاد سازی در سیرجان موافقان و مخالفان را داشت. مخالفین معتقد بودند که توسعه در گل گهر نباید بیشتر از این باشد و باید محصولاتش در اصفهان و خوزستان باشد. این تنش ها بود بین متولیان وزارتخانه و مجلس تا اینکه گل گهر در سال ۸۸، طرح جامعی تعریف کرد که غیر از طرح جامع فولاد کشور است. آن موقع هنوز طرح جامعی برای کشور تهیه نشده بود. در طرح جامع فولادی گل گهر، توازن خوبی بود. در این طرح شرکت های دیگری در منطقه ایجاد شدند و چهار شرکت متولی توازن هستند. قرار شد در این منطقه ۲۲ میلیون تن کنسانتره و ۲۰ میلیون تن گندله و ۵ میلیون تن فولاد تولید شود. ۲۰ میلیون تن گندله میتواند خوراک ۱۴ میلیون تن فولاد باشد، قرار شد مازاد گندله هم به فولاد مبارکه، فولاد خوزستان، فولاد هرمزگان و فولاد خراسان اختصاص یابد در طرح جامع گل گهر علاوه بر این ها، بحث های زیرساختی هم مورد توجه قرار گرفته بود یعنی برای تامین هزار و ۲۰۰ مگاوات برق برنامه ریزی شد که ۵۰۰ مگاوات تامین شد، تامین آب هم که الان شروع شده و تعریف انتقال آب و شیرین سازی آب از خلیج فارس در سه فاز شروع شده، برای حمل و نقل نیز شبکه ریلی را دیدند که تاسیس شرکت گهر ترابری هم به این منظور پیش بینی شده بود.

در این طرح جامع با تصحیح و اصلاح آن قرار شد ۱۶ میلیون تن گندله و ۱۸ تن کنسانتره و ۵ میلیون تن فولاد تولید شود.

بازیگران بعدی فولاد در استان کرمان، شرکت میدکو وابسته به بانک پاسارگاد است که در زرنده، کرمان، سیرجان و بردسیر فعالیت های خوبی انجام داده است هر چند معادن سنگ آهن ندارد و سنگ معادن ایمییدرو خریداری می کند.

میدکو هم چهار میلیون تن کنسانتره قرار است در سیرجان تولید کند که دو میلیون تن آن در حال تولید است و چهار میلیون تن هم در زرنده تولید می شود که از معدن سنگ آهن جلال آباد تغذیه می شود. میدکو، هفت و نیم میلیون تن گندله و چهار و هفت دهم فولاد تولید می کند که دو میلیون در کرمان، یک میلیون تن در بردسیر و یک و هفت دهم نیز از طریق کوره بلند در زرنده تولید می شود. جمعاً نزدیک به ۱۰ میلیون تن فولاد را در استان خواهیم داشت.

همچنین از ۲۸ میلیون تن کنسانتره که در کرمان تولید خواهیم داشت حدوداً ۲۰ میلیون تن در منطقه گل گهر تولید می شود و هشت میلیون تن هم میدکو تولید می کند. اگر ۱۵ میلیون تن گندله در منطقه گل گهر تولید شود و هفت و نیم میلیون تن هم میدکو تولید کند، جمعاً ۲۲ و نیم میلیون تن گندله و ۹/۷ میلیون تن هم فولاد تولید خواهد شد که اینها می شود محصولاتی که از فولاد و معدن استان کرمان بیرون می آید در شرایطی که ۴۵ درصد معادن سنگ آهن کشور را در کرمان در اختیار داریم.